

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نذیر دلسوز

۲۲ مارچ ۲۰۱۵

## فرخنده جانباخته و گور « شاه دوشمشیره ولی » !

برخی از رسانه ها ؛ همچنان کسانی گفته اند که « فرخنده در زیارت « شاه دوشمشیره ولی » از تعویذ گری تعویذ گرفته و در بدل آن تعویذگر چند بار از وی پول گرفته ، سرانجام فرخنده کدام نتیجه ای از تعویذ و طومار و شویست وی نگرفته ، این تقلب موجب اعتراض گردیده ، با تعویذگر مشاجره نموده است . . . »

اگر به این حادثه با دقت بیشتر بنگریم : همین شخص ، یعنی تعویذگر که بی هیچ تردیدی به کدام شبکه اطلاعاتی خارجی و یا داخلی ( شاید هم «شورای نظار» یا «حزب اسلامی گلبدین» و یا عرب سعودی) ارتباط داشته به ضد دختر مظلوم دست به چنین توطئه ردیلانه ای زده ، سر و صدا و داد و فریاد نموده که گویا « ای وای این زن قرآن را آتش زده بیایید این زن کافر شده را بسوزانید و... .. » . مسلماً این قضیه ابعاد دیگری هم داشته که تا کنون روشن نشده است .

باید اشاره نموده که اکثریت نگهبانان زیارت ها ، یا از زمره وابستگان « ریاست ضبط احوالات » خاندان نادر غدار بودند و یا با آن ریاست منفور همکاری می کردند . این جای ها در اصل محراق های رفت و آمد مردم اند و آمدن چنین اشخاص مخفی (جاسوسان) ؛ طبیعی جلوه می کند و جلب توجه نمی نماید . افرادی می آیند و می روند و به متولی زیارت پول می دهند . خبرکش ها راپور هایشان را به متوالی می سپارند در واقع متولیان افراد ارتباطی جواسیس با « ضبط احوالات » ( بعد ها « کام » و « اکسا » و خاد و امنیت دولت دست نشانده ) می باشد ؛ همانطوری که اکثریت تعویذگران و طومار دهندگان در طول تاریخ و تا هم اکنون بدین کارننگین مشغول بوده و اند . حال به اجازه خوانندگان متنی را که در سال گذشته ( ۱۸ فیروزی سال ۲۰۱۴ ) در رابطه با زیارت «شاه دو شمشیره ولی » ، که آغاز این رخداد در همین محراق که اطلاعاتی ها هم از آن استفاده می نمایند ؛ اتفاق افتاده ؛ بار دیگر با ویراستاری و اضافاتی چند بازخوانی نمائیم :

« در کتاب " سیطره ۱۴۰۰ ساله اعراب بر افغانستان " به نقل از مرحوم کهزاد مبتنی بر کتاب بالاحصار کابل و پیشآمدهای تاریخی، روایت می شود که: در سال ۸۰ هجری عبدالرحمن بن اشعث سردار لشکر طووسان، چهل مرد [البته چهل هزار درست است] جنگی را تحت قیادت لیث بن قیس مأمور حمله بر کابل شاه کرد و این فرمانده عرب از فرط قهر و غضب دوشمشیر در دو دست گرفته و پیشاپیش سپاه خود جنگ کنان به کابل داخل شد، اما با ضربت سرنیزه دلیرمردی از کابل فرش زمین شد [و دیگر دستان نابکارش از کار افتاد. در حالی که از حدود دهمزنگ یا مدخل

کوه شیردروازه تا مسجد شاه دوشمشیره در فاصله یک کیلومتر او صد هاتن از مدافعان فداکار ( کابل ) را گردن زده بود. / جسد او را در کنار رودخانه کابل به خاک سپردند. بعدها مقبره او به مزار "شاه دوشمشیره" معروف گشت. » .

از قلب کابل دریا می گذرد ، در دو طرف دریا دو جاده وجود دارد . طرف راست جاده گور یک تن از سرداران خون آشام و غارتگر عرب موقعیت دارد . مردم نزدیک گور این سردار سفاک عرب که " به شاه دو شمشیره ولی " معروف شده می روند و به درخت دور تر از قبر بویناکش تکه پاره ای را می بندند ، تا این سردار جنایتکار و قهار عرب از خدا بخواهد که مراد آن شخص را بدهد . این قلم ۶۰ یا ۶۵ سال پیش از نزدیک دیده بود که گور وی شبیه مخروطه ای بود و تنها گنبدی داشت رنگ باخته و ... . گنبد این مقبره قرار کتیبه نصب شده « در عصر امیر امان الله خان تجدید بنا شده ».

[ زمانی که دولت سعودی متوجه تحکیم پایه های لرزان دین اسلام در برخی کشور ها می شود ، مبالغ هنگفتی را صرف این راه می نماید . در جنب دهلی در درون یک جنگل که به نام «مها رانی» معروف بود ، مقبره کدام کسی وجود داشت که سقف نداشت . برق و آب برای وضوء هم وجود نداشت . در سال ۱۹۹۱ پول های کمی عرب سعودی به داخل دهلی هم رسید . این گور صاحب متولی شد . متولی به پولی که سازمان اطلاعات عرب سعودی می فرستاد ، صاحب گنبد و آب نل و برق شد . بعدها نام هم برایش انتخاب کردند ( خواهر زاده « نظام الدین اولیاء » ) در شب های جمعه مانند خانقاه حلقه ذکر بسته می شد . عوامل خاد نجیب که در دهلی زیر پوشش پناهنده ضد شوروی قبول شده بودند هم در نزدیک این مقبره ( گویا خواهر راده « نظام الدین اولیاء » ) حلقه بسته «ذکر» می کردند . شماری از «روشنفکران» من جمله یک تسلیم شده سازمان آزادیبخش افغانستان (ساما) در زندان پلچرخ هم در این حلقه حضور به هم می رساند . ]

این پول به افغانستان هم سرازیر می شد . آهسته آهسته گور « شاه دوشمشیره » و سقف گنبد گونه بر بالای گورش مزین گردید . رنگ و رونقی به خود گرفت . در حدود ۶۵ سال قبل کسی را نگهبان ( متولی ) گورش ساختند . مردم روزانه به صد ها افغانی ( پول ) به آن گور وان ( متولی ) می دادند و هم اکنون هم می دهند . این خون آشام کسی بود که با دو شمشیر می جنگید . قصه پردازان صد ها سال پیش ، شایع ساخته بودند که : « این شخصیت برجسته اسلام ولی بوده و به خدا نزدیک است ، زمانی که سرش از طرف یک تن از کابلیان دلیر در هنگام جنگ از تنش جدا شد ؛ به قدرت خدا بدون سر می جنگید و می جنگید و می ... ، تا این که پسر بچه ای کابلی فریاد زد " اونه ببینید که او دشمن ما بدون سر جنگ می کند " ، آنگاه "شاه دو شمشیره ولی" بر زمین غلتید و به شهادت رسید ».

بلی خوانندگان گرامی ، این جنایتکار تجاوز گر که با لشکرش هزاران باشنده کابل را ( ظاهراً ) به خاطر مسلمان شدن ( در واقع به خاطر تاراج مردم و برده و کنیز گرفتن از آنان و.... ) کشته بود و سربازانش هست و بود مردم ما را به تاراج بردند و زنان و دختران و کودکان آنان را به بردگی و کنیزی کشیدند ، تا همین لحظه هم مردم مسلمان و ساده اندیش ما می روند و بالای گورش قرآن می خوانند و مراد خود را از آن متجاوز غارتگر و جنایتکار طلب می کنند... . به مردم ما گفته بودند که « شما که مسلمان شدید به جنت می روید در آن جا تمام نعمات به شمول زنان زیبا و پسران و دختران خوش سیما و خورد سن در اختیار شما است و ... ».

این مسجد را به نام همین سرباند لشریان غارتگر و زنیاره عرب تسمیه کرده اند ( « مسجد شاه دو شمشیره ولی » !! ) گور آن جنایتکار در عقب این مسجد آنطرف سرک موقعیت دارد .

هرگاه بردگان فکری این جنایتکار ( سیاف ها ، گلبدین ها ، مزاری ها محقق ها، ربانی ها مسعود ها و.... ) جنایات و خیانت هایشان به طور پیگیر و متداوم افشاء نشوند ، زمانی خواهد رسید که گور هر کدام شان " شاه دوشمشیره ولی " خواهد شد .

دلسوز

۲۱ مارچ ۲۰۱۵